

واعظ مهدوی:

سیاست گذاری‌های رفاهی کشور نادرست است

دولت به اندازه کل در آمدش، دستمزد می‌دهد



علی رفاهی

به عقیده برخی کارشناسان مشکلات صندوق‌های بازنشستگی در ایران از جمله ابرچالش‌های پیش‌روی نظام مالی و برنامهریزی کشور در سال‌های آتی خواهند بود. در میان صندوق‌های عمومی و پایه حوزه تأمین اجتماعی در کشور، صندوق بیمه اجتماعی روستاییان، کشاورزان و عشایر با توجه به جامعه هدفی که دارد از شرایط خاص‌تر و پیچیده‌تری برخوردار است چرا که عده بسیار زیادی (دو میلیون و ۲۰۰ هزار خانوار) از جامعه هدف آن هنوز تحت پوشش بیمه نیستند و این خود بار مضاعفی است بر دوش مدیران و کارگزاران این صندوق در قیاس با سایر صندوق‌ها که جامعه هدف خود را عمدتاً تحت پوشش قرار داده‌اند. به علاوه، شرایط زیستی - معیشتی روستاییان و عشایر به گونه‌ای است که آنها را در معرض آسیب‌های بیشتری نسبت به دیگر گروه‌های جامعه قرار می‌دهد.

واعظ مهدوی، مدیرعامل صندوق بیمه اجتماعی روستاییان، کشاورزان و عشایر، تلاش شده چالش‌ها، مسائل و برنام‌های این صندوق را در سالی که گذشت و متعاقباً سال آتی، به بحث و بررسی گذاشته شود.

در نشست مقاماتی شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی، مصوب شد در مناطقی که روستاییان و کشاورزان دچار خسارت از ناحیه خشکسالی و پساوانج غیر مترقبه طبیعی شده‌اند، دولت مسئولیت پرداخت یک سوم مابقی حق بیمه بیمه‌شدگان صندوق را بر عهده بگیرد ولی دولت اصولاً بدهکار خوش‌حسابی حداقل در قبال صندوق‌های بیمه‌ای نبوده است. گفته می‌شود دولت به صندوق بیمه اجتماعی روستاییان، کشاورزان و عشایر حدود ۱۴۰۰ میلیارد تومان بدهی دارد. تعهدات امسال دولت نیز ۸۰۰ میلیارد تومان است. دولتی با این سابقه و حجم بدهی، چگونه قرار است پرداخت یک سوم حق

بیمه را (در حالی که هم‌اکنون دو سوم آن را بر عهده دارد) انجام دهد؟

نظام بودجه‌ریزی کشور مسا سال‌هاست دچار مشکل عدم تعادل منابع و مصارف است. این عدم تعادل به نحوی است که مثلاً در همین لایحه بودجه سال ۹۸ و در جدول شماره ۱ درآمد‌ها حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تومان ذکر شده و هزینه‌ها حدود ۳۲۰ هزار میلیارد تومان است یعنی ۱۲۰ هزار میلیارد تومان فاصله بین درآمد و هزینه داریم. این فاصله چگونه پر شده است؟ بخشی از آن از محل واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای بوده‌اند. این ترتیب در ۱۴۸ هزار میلیارد تومان از واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای داریم که عمده آن هم حاصل فروش نفت است. در مقابل، ۶۲ هزار میلیارد تومان تملک دارایی‌های سرمایه‌ای داریم یعنی ۱۴۸ هزار میلیارد تومان جنس می‌فروشم ۶۲ هزار میلیارد تومان جنس می‌گیریم و حدود ۸۰ هزار میلیارد تومان از این محل تأمین شده و واگذاری دارایی‌های مالی داریم و در قبال آن ۲۵ هزار میلیارد تملک دارایی داریم و ۲۶ هزار میلیارد تومان نیز از این محل تأمین شده است. پس عملاً خانواده دولت خواواده‌ای است که در سال حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تومان در آمدش است و ۳۲۰ هزار میلیارد تومان هزینه‌اش است. برای اینکه ۱۲۰ تومان کسری در آمد دارد ۸۰ تومان آن را جنس می‌فروشد و ۲۵ نیز را هم قرض می‌گیرد و این متأسفانه ساختار ناپهینه بودجه کشور ماست. البته این موضوع محدود به امسال نیست. در سال‌های قبل هم کمابیش بوده، اما مادر بجد بدتر شده است. اینکه فکر کنیم این یک اتفاق ویژه است که در سال ۹۸ رخ داده و بسیار نگران کننده است، خیر این گونه نیست. متأسفانه این ساختار نامنضبط در طول تاریخ وجود داشته است. حتی قبل از انقلاب.

شواهد می‌گویند که حتی قبل از انقلاب نیز عدم تعادل منابع و مصارف وجود داشته است. اصولاً بخش مهمی از هزینه‌ها به واسطه فروش نفت

ایفای تعهدات ناشی می‌شود. خود من در سال‌های ۸۵ تا ۸۷ معاون برنامه‌ریزی شهرداری تهران بودم. در آن زمان ۷۰۰ میلیارد تومان بودجه شهرداری تهران بود و امروز ۱۸ هزار میلیارد تومان شده یعنی بیش از دو برابر. در حالی که آن زمان بودجه کشور ما، ۵۰ هزار میلیارد تومان بود و اکنون بودجه عمومی حدوداً ۴۷۰ هزار میلیارد تومان شده است یعنی بودجه عمومی ۹ برابر شده و بودجه شهرداری ۲ برابر و این نشان دهنده این امر است که شهرداری رفتار منضبط‌تری را در پیش گرفته است و وقتی با کمبود منابع روبرو بوده، ریخت و پاش‌هایش را کاهش داده است. در واقع، وضعیتی که توصیفش را دادم این پیام را دارد که چو دخلت نیست، خرج هسته‌تر کن.

این ساختار نامنضبط که مرتباً هزینه‌های منفرقه آن افزایش می‌یابد اقدامی هم برای کاهش هزینه‌هایش در پیش نمی‌گیرد. طبیعتاً در آن همه در حال رقابت با یکدیگر برای دستیابی به منابع هستند و در این رقابت قسمت‌هایی که زورشان بیشتر است یا نیازشان حادثر، جلو می‌افتند. البته مشکل عدم تعادل منابع و مصارف نظام‌های بازنشستگی در ماده دو قانون برنامه ششم توسعه به عنوان یک ابرچالش و جزو مسائل مهم کشور شناسایی شده و باید تدابیر و اقداماتی برای غلبه بر این چالش بزرگ اتخاذ شود اما فعلاً شاهد عزم جدی برای این کار نیستیم و به همین دلیل پرداخت بدهی سیستم‌های بازنشستگی در اولویت قرار نمی‌گیرد.

از ۵۰ هزار میلیارد تومان بودجه‌ای که دولت برای اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی و لشگری و کشوری برای سال ۹۸ در نظر گرفته، چه میزان آن قرار است به صندوق بیمه اجتماعی روستاییان، کشاورزان و عشایر داده شود؟

بدین خاطر که آن ۵۰ هزار میلیارد تومان بابت کسری حقوق صندوق‌های بازنشستگی نیروهای مسلح و کارکنان دولت و تأمین اجتماعی است. یکی از انتقادات ما هم همین است که چرا باید ۵۰ هزار میلیارد تومان برای حقوق بازنشستگی کارکنان دولت و پرسنل نیروهای مسلح باید داده شود اما بودجه‌ای برای ترمیم حقوق کشاورزان و روستاییان در نظر گرفته نشود؟ همان‌طور که اطلاع داریم مجلس امسال حدود ۴ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان برای همسان‌سازی حقوق بازنشستگان لشگری و کشوری گذاشت اما برای روستاییان چنین مسأله‌ای پیش‌بینی نشده. متأسفانه به نظر می‌رسد آن نگاه نامی توان‌بدهد طبیعی است که پیش‌انداز لازم برای اولویت‌بندی نیازها به طور دقیق نه در مجلس و نه در دولت وجود ندارد و نیازمندترین گروه‌های اجتماعی

ما که هم‌میز روستاییان و عشایر هستند عملاً از همسان‌سازی حقوق چیزی عایدشان نخواهد شد. حتی در دریافت بسته معیشتی نیز شاهدیم که به همه گروه‌های کشور این بسته داده شد ولی به روستاییان خیر. البته با پیگیری‌های فراوانی که انجام شد برای بازنشستگان صندوق توانستیم این بسته را بگیریم و به آنها بدهیم ولی به خود شش‌اغلین روستایی، جوانان روستایی و دیگرانی که بازنشسته نیستند چنین بسته‌ای داده نشد در حالی که به کارکنان دولت داده شد. کارکنان دولت عزیز ما هستند ولی اینها چه تفاوتی با کارگران کشاورزی دارند؟ یا کارگران کشاورزی ثروتمندتر هستند؟ یا عشایر که در دورافتاده‌ترین نقاط کشور و با حداقل امکانات زندگی می‌کنند و بسیاری‌شان دسترسی به آب، درمان و آموزش ندارند نباید دارای اولویت در توزیع بسته‌های حمایت معیشتی داشته باشند؟ چرا ما از مرزها شروع نمی‌کنیم؟ چرا از روستاییان و عشایر شروع نمی‌کنیم؟ مگر نه اینکه آنها ولی نعمتان ما هستند؟ مگر نه اینکه ذخایر کشور هستند؟ مگر نه اینکه منطقی و اخلاقاً باید به کم‌درآمدترین‌ها کمک معیشتی بدهیم؟

از میان چهار میلیون و ۷۰۰ هزار خانوار روستایی که تا سال گذشته گفته می‌شود حدود یک میلیون آنها تحت پوشش بیمه هستند، چه تعداد در حال حاضر تحت پوشش بیمه قرار گرفتند؟

طی آخرین مطالعات مان، دو میلیون و ۲۰۰ هزار خانوار روستایی احصاء شد که فاقد هر نوع بیمه‌ای هستند. اینها تبدیل شدند به جمعیت هدفمان. ما برای مدیران استانی مان هدف‌گذاری کردیم که این جمعیت باید بیمه شوند و گفتیم که تمام تلاش‌ها باید متمرکز باشد. این بود که همه این افراد تحت پوشش بیمه قرار بگیرند. این سرپرست‌های خانوار را بر اساس کد ملی و کد پستی شناسایی و برای همه استان‌ها سهمیه‌هایی مشخص کردیم و آنها نیز به تفکیک شهرستان‌ها این کار را انجام دادند یعنی فردی که در شهرستان نی‌ریز است باید به صندوق این شهرستان رجوع کند. سهمیه‌ها باید برای شهرستان و حوزه کارگزاری تعریف شود و کارگزاران ماباید به سمت بیمه‌گردن همه این افراد بروند. فعالیت مدیران و کارگزاران استانی ماهم قابل قبول بود. آنها توانستند آنقدر پیش بروند که در سال ۹۷ بیش از ۱۵۰ هزار بیمه‌شده جدید داشته باشیم. میانگین سن بیمه‌شدگان جدید ما نسبت به بیمه‌شدگان سال گذشته به شش سال کاهش پیدا کرده و به ۳۶ سال رسیده است. سال گذشته این میانگین سن ۴۲ سال بوده است. وقتی میانگین سن کاهش می‌یابد یعنی ثبات‌منابع و مصارف صندوق در حال بهتر شدن است چرا که قرار است شش سال بیشتر حق بیمه پرداخت شود و البته شش سال نیز در تر



اکنون بیشتر رانت‌ها و سودهای اقتصادی به جیب موسسات مالی و اعتباری می‌رود یعنی به جای حمایت از فعالان حوزه تولید، افراد غیر مولد مورد حمایت قرار می‌گیرند و از بین نامولدها بدترین آنها معامله‌گران پول هستند. کسی که پول خرید و فروش می‌کند بدترین نوع نامولداست

بازنشته بشوند. در نتیجه، مستمری گرفتن اینها شش سال به تأخیر می‌افتد و این خود یک مزیت بسیار مهم است. اصولاً صندوق‌های بازنشستگی بیشترین لطمه را از دو چیز می‌خورند: یکی از سیاست‌های تورم‌زا، چرا که تورم قدرت خرید مستمری را بگیرد و کاهش می‌دهد. مستمری بگیر ما که ۶۰۰ هزار تومان دریافت می‌کند سال گذشته که گوشت کیلو می‌شد مثلاً ۲۵ هزار تومان بود مستمری‌اش شامل ۲۰ کیلو گوشت می‌شد در حالی که امسال که مبلغ یک کیلو گوشت از ۱۳۰ هزار تومان نیز فراتر رفته و مستمری‌اش نهایتاً چهار الی پنج کیلو گوشت را در بر می‌گیرد. سوال این است که چه بلایی بر سر این ۱۶ کیلو گوشت آمده است؟ اتفاقی که افتاده این است که آن گوشت‌ها به جیب کسانی که از دلار ۴ الی ۱۲ هزار تومان سود کسب می‌کنند، رفته است. دومین موضوع لطمه‌زننده به صندوق‌ها، سیاست‌های اشتغال‌زایی هستند که موجب مشکلات برای صندوق‌ها می‌شوند. وقتی دولت پر تغال وارد می‌کند کارگر کشاورزی مرکبات کار ما متضرر می‌شود، برنج وارد کندشالیکار ما متضرر می‌شود. واردات میوه، مواد غذایی و کالاهای صنعتی ضد اشتغال هستند. کشوری که مساله اشتغال‌دار در دنیا دارد است. مطالعات نشان داده که هر یک میلیارد دلار واردات، به سمت بیمه‌گردن همه این افراد بروند. فعالیت مدیران و کارگزاران استانی ماهم قابل قبول بود. آنها توانستند آنقدر پیش بروند که در سال ۹۷ بیش از ۱۵۰ هزار بیمه‌شده جدید داشته باشیم. میانگین سن بیمه‌شدگان جدید ما نسبت به بیمه‌شدگان سال گذشته به شش سال کاهش پیدا کرده و به ۳۶ سال رسیده است. سال گذشته این میانگین سن ۴۲ سال بوده است. وقتی میانگین سن کاهش می‌یابد یعنی ثبات‌منابع و مصارف صندوق در حال بهتر شدن است چرا که قرار است شش سال بیشتر حق بیمه پرداخت شود و البته شش سال نیز در تر

یادداشت

تاب‌آوری اجتماعی

علی حسینی مسئول هماهنگی زیر شبکه شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی

ایرانی‌ها سال‌هاست جدیداً با پدیده ویرانگر سیل آغاز کردند. اگر چه مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد و دستگاه‌های اجرایی دست به اقدامات و فعالیت‌هایی در ارتباط با رفع آلام سیل‌زدگان زدند ولیکن فقدان نظام یکپارچه امداد اجتماعی و تکرار، تداخل و همپوشانی فعالیت‌ها و ساختارهای موازی ضعیف از یک سو و خلاء پوشش و فقدان دسترسی به موقع و عادلانه به خدمات امدادی از سوی دیگر بلیه‌ای انسانی بود که اثرات این بلیه طبیعی را دوچندان کرد. به موجب صدر ماده ۱ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی «حمایت از همه افراد کشور در برابر رویدادهای طبیعی» از جمله وظایف نظام تأمین اجتماعی قلمداد شده است و در بند ل ماده مزبور امداد و نجات یکی از امور مربوط به این نظام قلمداد شده است. در بند ج ماده ۱ این قانون که به تفکیک قلمروهای بیمه‌ای، حمایتی و امدادی نظام جامع تأمین اجتماعی می‌پردازد امور امدادی را «شامل امداد و نجات در حوادث غیر مترقبه» دانسته و در ماده ۵ قانون اهداف و وظایف حوزه امدادی آورده شده است. شاید بتوان گفت یکی از حلقه‌های مفقوده نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی کشور، غفلت نسبت به حوزه امدادی است که شامل امداد حوادث و امداد اجتماعی است. متأسفانه پس از تصویب قانون یادشده و به این اعتبار که سازمان‌های احمر یک NGO بین‌المللی است حوزه امدادی در زیر مجموعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی سامان نیافت و با استناد ناصحیح به تبصره ذیل ماده ۵ صدرالذکر عملاً طرح جامع امداد و نجات قلمرو امدادی نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی به یک سو نهاده شد. در خلال این سال‌ها البته ساختارهای موازی و مضاعف دیگری نیز نظیر ستاد مدیریت بحران حوادث، سازمان پدافند غیر عامل، سازمان اجتماعی کشور و... ایجاد شد، بدون اینکه تقسیم کار اصولی بین این مجموعه‌ها شکل گیرد و در ذیل نظام رفاه و تأمین اجتماعی سامان یابد. به ویژه آنکه باید این ساختارها و نهادها در طول یکدیگر قرار می‌گرفتند نه اینکه در عرض همدیگر بدون تقسیم کار اصولی و علمی به فعالیت‌های موازی بپردازند.

هر یک از این دستگاه‌های اجرایی و نهادها می‌توانند در قالب قلمروی امدادی نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی در سه مرحله پیشابحران، هنگام بحران و پس‌ابحران نقش خود را در حیطه مشخصه‌های بازو دولت‌های قدرتمند که قوت و قدرت خود را در همه عرصه‌های نظامی، امنیتی، اطلاعاتی، اقتصادی، فرهنگی و به ویژه اجتماعی به رخ می‌کشند موضوع تاب‌آوری (Resilient) است که باید در همه عرصه‌های موصوف وجود داشته باشند و از همه مهم‌تر تأثیر گذار در تاب‌آوری اجتماعی است. به طور کلی اجرای کامل و دقیق قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و شکل‌گیری نظام چندلایه تأمین اجتماعی در قلمروهای امدادی، حمایتی و بیمه‌ای منجر به ایجاد و ارتقای تاب‌آوری اجتماعی جامعه شود و عدم توجه به این حوزه می‌تواند عوارض و تبعات نامساعدی را به دنبال داشته باشد. طی سال‌های اخیر به تاب‌آوری در عرصه‌های امنیتی، نظامی، اقتصادی، فضای مجازی، فرهنگی و... توجه شده است ولی در حوزه تاب‌آوری اجتماعی کاری درخور و شایسته به طور یکپارچه و منسجم انجام نشده است و فعالیت‌ها و تلاش‌های انجام شده از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به علت عدم تبعیت و هم‌راهی سایر بخش‌های حاکمیت با این وزارتخانه و عدم پذیرش نقش و جایگاه آن، کم‌اثر یا فرقم‌مانده است. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در سیل اخیر پیشقدم و پیشگام بوده و با بسیج منابع و امکانات در اختیار به کمک آسیب‌دیدگان پرداخته ولی ظرفیت‌ها، امکانات و به ویژه منابع مالی حوزه امدادی به طور کامل در حیطه اختیار این وزارتخانه نبوده و وحدت فرماندهی و هم‌راستایی و انسجام و یکپارچگی فعالیت‌ها رخ نداده است در حالی که به موجب مواد ۶ و ۷ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی هر گونه بهره‌مندی از منابع، اعتبارات و بودجه‌های دولتی و عمومی برای حوزه‌های امدادی، حمایتی و بیمه‌ای و حتی کمک‌های داوطلبانه باید در چارچوب نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و تحت نظارت و راهبری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی صورت پذیرد. خوشبختانه با تدبیر وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی مقدمات تشکیل مستمر جلسات شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی، ساماندهی شوراهای راهبردی - تخصصی حوزه‌های امدادی، حمایتی و بیمه‌ای ذیل شورای عالی مزبور و تقویت دبیرخانه آن تمهید و تدارک شده و می‌توان امیدوار بود که ساماندهی امور امدادی از طریق ایجاد این شورای بین‌بخشی تحقق یابد.

رفاه اجتماعی در جهت صیانت از نیروی کار، حفظ حیات اقتصادی بنگاه‌های تولیدی و اشتغال مجدد نیروهای بیکار شده در اثر سیل تمام توان خود را برای کمک به کارفرمایان در جهت راه‌اندازی بنگاه اقتصادی آنها به کار خواهد گرفت. ضمناً چنانچه بنگاه‌های اقتصادی که در اثر سیل دچار خسارت شده‌اند، نیاز به اصلاح ساختار اعم از بازسازی یا سوزاری داشته باشند، در دوران اصلاح ساختار با تصویب شورای عالی کار مورد حمایت قرار خواهند گرفت. وی افزود: بر اساس آمار و اطلاعات اولیه که به صورت برآوردی و تقریبی جمع‌آوری شده است، در استان‌های سیل‌زده، حدود ۱۰ هزار شاغل مشمول مقررات قوانین کار و تأمین اجتماعی مشاغل آنها تحت تأثیر حادثه سیل قرار گرفته‌اند. یآوری تأکید کرد: در شهر صنعتی آق‌قلاد در استان گلستان حداقل بنگاه‌های اقتصادی ۳ هزار کارگر در اثر حادثه سیل تحت تأثیر قرار گرفته که برآورد دقیق خسارات پس از فرورفتن آب امکان‌پذیر است. البته این به معنای بیکاری ۱۰ هزار شاغل نیست بلکه ناشی از وقوع سیل به نوعی فعلاً امکان اشتغال مجدد آنها فراهم نشده است.



وی گفت: نمایندگان وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از استان‌های حادثه‌زده دیدار و سیل اخیر به صورت عملیاتی و میدانی بازدید و اقدامات مؤثری را برای کمک‌رسانی در ابعاد مختلف در دستور کار قرار دادند. این مقام مسئول در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی درباره بازسازی و احیای واحدهای تولیدی آسیب‌دیده نیز گفت: بنگاه‌های اقتصادی آسیب‌دیده از طریق وزارتخانه‌های صادرکننده مجوز تأسیس و پروانه بهره‌برداری و دولت نیز مورد حمایت قرار خواهند گرفت. یآوری اظهار داشت: وزارت تعاون، کار و

مدیرکل حمایت از یاداری مشاغل وزارت کار خبر داد:

تاثیرپذیری ۱۰ هزار شغل از سیل

از سیل، خارج از نوبت اقدام کنند. یآوری با بیان اینکه طبق قانون بیمه بیکاری، در شرایط عادی فقط بیکارانی که حداقل ۶ ماه سابقه پرداخت بیمه داشته باشند مشمول دریافت مقرری بیمه بیکاری می‌شوند، تأکید کرد: اما در استان‌های درگیر سیل، حتی آن دسته از کارگرانی که سابقه بیمه پردازی آنها کمتر از ۶ ماه باشد، نیز مشمول دریافت حمایت مقرری بیمه بیکاری خواهند بود. بنابراین هم‌اکنون کارگران مشمول قوانین کار و تأمین اجتماعی که در سراسر کشور در اثر سیل کار خود را از دست داده‌اند به رغم داشتن حتی یک ماه سابقه بیمه پردازی می‌توانند جهت دریافت مقرری بیمه بیکاری به ادارات تعاون، کار و رفاه اجتماعی مراجعه و ادارات مذکور مکلفند در سریع‌ترین زمان ممکن نسبت به تکمیل پرونده و برقراری بیمه بیکاری اقدام کنند.

مدیرکل حمایت از یاداری مشاغل وزارت کار با اشاره به آغاز پرداخت بیمه بیکاری به کارکنان مشمول قانون کار در مناطق سیل‌زده گفت: براساس اطلاعات اولیه، حدود ۱۰ هزار شغل تحت تأثیر حادثه سیل قرار گرفتند.

کریم یآوری در گفت‌وگو با مهر گفت: تمام کارگران و کارکنان مشمول قوانین کار و تأمین اجتماعی که در اثر سیل کار خود را از دست داده باشند، تحت پوشش دریافت مقرری بیمه بیکاری قرار خواهند گرفت. وی در باره نحوه اقدام برای دریافت بیمه بیکاری افزود: حسب توافق به عمل آمده بین سرپرست تأمین اجتماعی و معاونت روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، تمامی ادارات کل استانی تأمین اجتماعی مکلف شده‌اند در سریع‌ترین زمان ممکن نسبت به برقراری مقرری بیمه بیکاری برای کارگران حادثه‌زده ناشی